

پرونده مکسون و صلاحیت دادگاه‌های ایالات متحده در رسیدگی به دعاوی علیه دولت ایران در چارچوب عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی

نوید رهبر*

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱

چکیده

نظام حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاران در کشور میزبان، نظامی متأثر از حقوق بین‌الملل (معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌الملل، اصول حقوقی و دکترین) از یک سو و حقوق داخلی کشورها و روابط سیاسی آن‌ها از سوی دیگر است. این نظام حقوقی به دلیل همین چند وجهی بودن، از پیچیدگی زیادی برخوردار است. زمانی که عهدنامه‌ی مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده‌ی آمریکا در سال ۱۳۳۵ خورشیدی تصویب شد، تصور این که عهدنامه‌ی مودت به منظور جبران خسارت زیان‌دیدگان در دادگاه‌های داخلی علیه متعهدین مورد استناد قرار گیرد، بعید بود. طرح پرونده مکسون علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، به‌رغم ممنوعیت طرح دعاوی به استناد بیانیه الجزایر و وجود موانع قانونی و سیاسی در طرح این‌گونه دعاوی، این پرسش را به پیش می‌کشد که چگونه شرکت مکسون توانست صلاحیت دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا در رسیدگی به این دعوا را اثبات و سپس دادگاه به استناد عهدنامه‌ی مودت و تفسیر ارائه شده از حقوق ایران حکم به نفع آن شرکت صادر نماید.

در این مقاله صلاحیت دادگاه‌های داخلی آمریکا در رسیدگی به دعاوی ناشی از اقدامات دولت ایران و حق اقامه‌ی دعوا علیه دولت ایران به استناد عهدنامه مودت و تفسیر ارائه شده در حقوق ایران و همچنین استناد به موانع اعمال صلاحیت دادگاه‌های داخلی به استناد اصل مصونیت دولت مستقل و دکترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* استادبار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. nrabars@gmail.com

کلیدواژگان: عهدنامه مودت، صلاحیت، حق اقامه دعوا، اصل مصونیت دولت مستقل، دکترین عدم محاکمه عمل دولت‌ها.

مقدمه

پس از قریب به ۳۰ سال دعوای حقوقی، صدور رای محکومیت علیه دولت جمهوری اسلامی ایران به پرداخت بیش از ۴۰ میلیون دلار آمریکا^۱ در دادگاه تجدیدنظر منطقه کلمبیای ایالات متحده^۲ به نفع شرکت مکسون^۳، بررسی دو مساله‌ی حقوقی را در آن نظام حقوقی ایجاب می‌نماید. اول این که آیا دادگاه‌های آمریکا صالح به رسیدگی دعوی اشخاص خصوصی علیه دولت ایران هستند؟ و دوم این که در صورت مثبت بودن پاسخ، حق اقامه دعوی^۴ اشخاص خصوصی بر مبنای معاهدات بین‌المللی از جمله معاهدات مودت، بازرگانی و دریانوردی^۵ در دادگاه‌های داخلی آمریکا چگونه است.^۶

در دوره قبل از انقلاب اسلامی، روابط بین ایالات متحده و ایران در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی بسیار گسترده بود و از این رو به منظور تحکیم بیشتر این روابط، عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا (که از این پس به اختصار «عهدنامه مودت» نامیده می‌شود)^۷ در سال ۱۹۵۵ میلادی منعقد گردید و به تبع

^۱ قاضی پرونده ریچارد لئون، ایران را به پرداخت ۷۶۱۹،۲۰۵ دلار آمریکا از باب خسارت، ۲۱،۶۹۹،۰۷۹ دلار آمریکا از باب خسارت تاخیر تادیه (۹٪ سالانه از سال ۱۹۸۱ تا ۲۷ مارس ۲۰۱۳) و ۱۰،۰۲۷،۲۳۵ دلار آمریکا هزینه‌ی وکلا و ۱.۲ میلیون دلار بابت سایر هزینه‌ها شامل هزینه‌ی کارشناسان محکوم نمود. برای دیدن رای مراجعه کنید به:

McKesson Corporation, et al., v. Islamic Republic of Iran, Memorandum Opinion, Civil Case No. 82-220 (RJL), 27 March 2013.

^۲ The United States Court of Appeals, the District Court of Columbia.

^۳ McKesson Corporation.

^۴ Cause of Action.

^۵ Friendship, Commerce and Navigation Treaties.

^۶ McKesson Corp. v. Islamic Republic of Iran, 672 F.3d 1066 (D.C. Cir. 2012) (McKesson VI).

^۷ قانون مربوط به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا، مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۳۵ مجلس شورای ملی (تاریخ انتشار ۱۳۳۶/۳/۱۵).

آن، اشخاص حقوقی و حقیقی آمریکایی به سرمایه‌گذاری در ایران پرداختند. گروه سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی به نام مکسون و شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی^۱ از جمله شرکت‌هایی بودند که در ایران سرمایه‌گذاری کردند و در سال ۱۹۶۰ میلادی به منظور اداره شرکت سهامی لینیات پاستوریزه پاک، جوینت ونچری با سرمایه‌گذاران ایرانی تشکیل دادند. پس از انقلاب اسلامی، کنترل هیأت مدیره شرکت پاک از دست شرکت مکسون خارج و پرداخت منافع به آن‌ها متوقف گردید.

پس از انعقاد بیانیه الجزایر^۲، شرکت مکسون دعوای خود را در دیوان داوری دعوی ایران و ایالات متحده مطرح نمود. دیوان پس از رسیدگی، در رای خود از یک طرف احراز نمود که مداخله در حقوق شرکت مکسون منجر به مصادره اموال در تاریخ صدور حکم نشده اما از طرف دیگر، نظر داد که شرکت پاک به طور غیر قانونی، سود سهام نقدی شرکت مکسون را در سال ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ پرداخت نموده است و از این رو رای داد که شرکت پاک توسط دولت ایران اداره و کنترل می‌شود و بدین ترتیب ایران را به پرداخت حدود مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار دلار، بابت پرداخت خسارات که شامل سود سهام نقدی نیز بود، محکوم نمود.^۳

با توجه به این که میزان خسارت تعیین شده توسط دیوان داوری دعوی ایران و ایالات متحده به میزان کافی خسارات وارده به شرکت مکسون را جبران ننمود، گروه سرمایه‌گذاری مکسون دعوایی دیگر را در واشنگتن دی‌سی، منطقه‌ی کلمبیا، علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۲ آغاز نمود.^۴ شرکت مکسون چنین استدلال کرد که بر مبنای عهدنامه مودت، حقوق اعطا شده به وی در ایران تضییع شده و چون اموال متعلق به آن شرکت مصادره گردیده، به استناد ماده ۴ عهدنامه مودت، مستحق دریافت عادلانه و سریع خسارات از دولت ایران است. در پایان، پس از ۳۰ سال، دادگاه تجدیدنظر منطقه کلمبیا در فوریه ۲۰۱۲، احکام زیر

^۱. The Overseas Private Investment Corporation.

^۲. Declaration of the Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria, General Declaration (19 January 1981), available at: <https://www.iusct.net/General%20Documents/1-General%20Declaration.pdf> (last visited 27 January 2014).

^۳. *Foremost Tehran, Inc. v. Islamic Republic of Iran*, Award No. 220-37/231-1 (1986).

^۴. *McKesson VI*, 1070.

را علیه ایران صادر و متذکر می‌گردد: ۱) دکتترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها^۱ از موانع صلاحیت رسیدگی دادگاه منطقه کلمبیا در رسیدگی به این پرونده علیه دولت ایران نیست؛ ۲) شرکت مکسون به استناد عهدنامه مودت، بر مبنای تفسیر ارائه شده در حقوق ایران، دارای حق طرح دعوا علیه دولت ایران است؛ و ۳) ایران مسئول مصادره‌ی حقوق مکسون در شرکت شیر پاک و عدم پرداخت سود سهام آن‌هاست.^۲

هدف از ارائه این مقاله، بررسی جوانب مختلف مساله‌ی صلاحیت و طرح دعوی اشخاص حقوق خصوصی بر مبنای عهدنامه مودت با نگاه به پرونده مکسون در نظام حقوقی ایالات متحده است. باید گفت؛ صدور این رای علیه دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند پی‌آمدهای حقوقی فراوان از جمله شروع دعوی مشابه دیگر توسط اتباع آمریکایی در دادگاه‌های داخلی ایالات متحده داشته باشد. بنابر این ضروری است جوانب مختلف حقوقی این رای مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا با ارائه‌ی دفاعیات مناسب، تا جای ممکن از صدور آرای مشابه جلوگیری شود.

تاریخچه دعوا مکسون در ایالات متحده

پیش از انقلاب اسلامی، در سال ۱۹۶۰ میلادی، جوینت ونچری برای اداره شرکت پاک توسط شرکت مکسون و سرمایه‌گذاران ایرانی تشکیل شد که ۵۰ درصد سهام آن در هنگام تشکیل متعلق به شرکت مکسون بود.^۳ شرکت مکسون به عنوان یک شرکت آمریکایی ادعا نمود بعد از انقلاب اسلامی، دولت ایران منافع آن شرکت را در شرکت شیر پاک مصادره و از پرداخت سود سهام آن شرکت خودداری کرده است. در همین راستا در سال ۱۹۸۲، شرکت مکسون و شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی شکایتی را در دادگاه بخش ناحیه کلمبیا علیه ایران و تعدادی از

^۱ در حقوق بین‌الملل، بر مبنای دکتترین حاکمیت دولت (Act of State)، هیچ دولتی نمی‌تواند مشروعیت اعمال حاکمیتی یک دولت بیگانه را در قلمرو حاکمیتی آن دولت بیگانه مورد بازنگری و محاکمه قرار دهد. نگاه کنید به Black's Dictionary (9th ed.), p. 40;

در این مقاله واژه‌ی دولت و حاکمیت یکی فرض شده است و به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

^۲ McKesson VI, 1072 (2012).

^۳ McKesson VI, 1070 (در زمان انقلاب این سهم به ۳۱ درصد کاهش یافت).

نمایندگان و موسسات وابسته به آن شامل بانک توسعه‌ی صنعت و معدن ایران مطرح نمود.^۱ شرکت مکسون ادعا کرد دولت ایران از طریق نمایندگان و دوایر خود، کنترل و اداره هیأت مدیره شرکت شیر پاک را به دست گرفته و هیأت مدیره به طور موثر حقوق شرکت مکسون را در شرکت مذکور، ضبط و از پرداخت سود سهام به آن شرکت امتناع نموده است.^۲ مبلغ خواسته با احتساب بهره، بیش از ۷ میلیون دلار آمریکا بود. ایران نیز در آن دعوا با استناد به بیانیه الجزایر دفاع نمود که مکسون از اقامه‌ی دعوا علیه دولت ایران منع شده است؛ و از همین رو دادگاه تا تعیین تکلیف پرونده در دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده از اظهار نظر در این خصوص امتناع نمود.^۳ پس از صدور رای دیوان داوری علیه ایران، شرکت مکسون میزان غرامت دریافتی را کافی ندانست و در سال ۱۹۸۸ دوباره دعوی خود را در منطقه کلمبیای ایالات متحده به جریان انداخت. در آن دعوا، ایران با استناد به قانون مصونیت‌های دولت بیگانه خواستار رد دعوی شرکت مکسون شد، اما دادگاه بخش منطقه کلمبیا رای داد که دعوی مطروحه مشمول یکی از استثنائات قانون مصونیت‌های دولت بیگانه یعنی استثنائات مربوط به فعالیت‌های تجاری است.^۴ پیرو تجدیدنظرخواهی از این رای، دادگاه تجدیدنظر با ارجاع مجدد دعوا به دادگاه بخش، از آن دادگاه خواست بررسی نماید آیا هیأت مدیره پاک، به عنوان نماینده یا اداره دولتی ایران تلقی می‌شود؟ که در ادامه و تأیید این امر توسط دادگاه بخش، با اعتراض و تجدیدنظرخواهی دولت ایران موضوع در پایان توسط دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید می‌شود.^۵

پس از تأیید این امر که دولت ایران و نمایندگان آن به طور غیر قانونی از پرداخت سود سهام بر اساس عهدنامه‌ی مودت امتناع نموده‌اند و این که دولت ایران می‌تواند در دادگاه فدرال،

^۱ نگاه کنید به:

Foremost-McKesson Inc., et al., v. Islamic Republic of Iran, 905 F. 2d 438, 439 (1990) (“McKesson I”);

برای اطلاع بیشتر در خصوص تاریخچه دعوا به آرالد زیر مراجعه نمایید:

McKesson Corp. v. Islamic Republic of Iran, 52 F.3d 346, 347-49 (D.C.Cir.1995) (“McKesson II”); McKesson HBOC, Inc. v. Islamic Republic of Iran, 271 F.3d 1101, 1104-05 (D.C.Cir.2001) (“McKesson III”).

^۲ Ibid.

^۳ McKesson II, 348.

^۴ McKesson VI, 1070-71.

^۵ McKesson VI, 1071.

مسئول شناخته شود؛ دادگاه بخش در سال ۲۰۰۰ به منظور تعیین میزان خسارت وارده به شرکت مکسون تشکیل شد و ایران را به پرداخت بیش از ۲۰ میلیون دلار که شامل ارزش خسارت ناشی از مصادره‌ی سهام و سود حاصل از آن (با محاسبه ۹٪ سالانه بهره) بود محکوم کرد.^۱ در مرحله‌ی تجدیدنظر، دولت ایران استدلال نمود که دادگاه فاقد صلاحیت بوده و همچنین ادعا کرد در باب مسئولیت و میزان محاسبه، در ارزشیابی دارایی شرکت پاک ایرادات عمده‌ای وجود دارد. دادگاه تجدیدنظر در مقام پاسخ استدلال نمود که حق اقامه دعوا به دلیل مصادره اموال به استناد عهدنامه مودت وجود دارد و اشخاص خصوصی می‌توانند به منظور اقامه‌ی دعوا به این عهدنامه استناد کنند و میزان ارزش‌گذاری دارایی شرکت پاک را نیز مورد تایید قرار داد.^۲ با این حال، این دادگاه بررسی دو مساله را مجدد به دادگاه بخش ارجاع داد. اول این که دادگاه بخش صحت یا سقم این مساله را تایید نماید که شرکت پاک، مراجعه به شرکت^۳ برای دریافت سهام و سود آن را شرط کرده است و دوم این که آیا در صورت مراجعه، امکان دریافت سود به طور عملی وجود داشته است یا خیر؟^۴ در همین حال، دولت ایران، درخواست رسیدگی موضوع در دیوان عالی کشور ایالات متحده^۵ را مطرح نمود که این تقاضای ایران رد شد. در عین حال دیوان عالی کشور نظر مشورتی خود را ابراز کرد که ایالات متحده، عهدنامه مودت را به گونه‌ای تفسیر نمی‌نماید که حق اقامه دعوی اشخاص خصوصی را بتوان از آن استنباط کرد.^۶ بر اساس این تغییر موضع، دادگاه تجدیدنظر رای خود مبنی بر اعطای حق اقامه دعوا به شرکت‌های آمریکایی بر اساس عهدنامه مودت را نقض و از دادگاه بخش درخواست کرد دعوی مطروحه را با در نظر گرفتن شرایط جدید، دوباره رسیدگی کند.^۷

در ادامه دادگاه بخش در خصوص حق اقامه دعوا بر مبنای عهدنامه مودت، بر رای خود اصرار کرد. پیرو این، دادگاه تجدیدنظر رای دادگاه بخش را نقض و استدلال کرد؛ «سکوت

^۱. Ibid.

^۲. Ibid.

^۳. Come to the company requirement.

^۴. McKesson VI, 1071.

^۵. Petition for Certiorari.

^۶. McKesson VI, 1071.

^۷. Ibid., 1072.

عهدنامه مودت» در شرایطی که دادگاه فدرال باید تصمیم بگیرد در امری که مربوط به روابط بین‌الملل می‌باشد، دخالت کند یا خیر، در حقیقت به معنای عدم اعطای حق اقامه دعوا از طرف دادگاه‌های فدرال به استناد عهدنامه مودت خواهد بود.^۱ بر همین اساس دادگاه تجدیدنظر با نقض رای دادگاه بخش، پرونده را برای بررسی مجدد سه موضوع به آن دادگاه ارجاع داد: اول این که آیا به استناد دکتترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها^۲ دادگاه‌های آمریکا صلاحیت رسیدگی به فعالیت‌هایی را که در قلمرو حاکمیت یک دولت بیگانه انجام گرفته است، دارند یا خیر؟ دوم این که آیا شرکت مکسون بر اساس قوانین داخلی ایران، حق اقامه دعوا علیه دولت ایران را در دادگاه‌های آمریکا داراست یا خیر؟ و سوم این که آیا حقوق بین‌الملل عرفی^۳، حق اقامه دعوا را به اشخاص خصوصی اعطا می‌نماید؟^۴

دادگاه بخش در ادامه نظر داد که دکتترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها در این پرونده قابل اعمال نمی‌باشد و حق اقامه دعوا بر اساس حقوق ایران و عرف بین‌الملل در دادگاه‌های آمریکا وجود دارد و از همین رو ایران را به پرداخت بیش از ۴۳ میلیون دلار محکوم کرد.^۵

ایران نیز متقابلاً از این رای، درخواست تجدیدنظر نمود. حال برای ارزیابی حکم دادگاه تجدیدنظر ضروری است سه مساله مورد بررسی قرار گیرد. مساله اول این که دکتترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها در نظام حقوقی آمریکا به چه معناست و آیا می‌تواند مانع از رسیدگی دعوای ایران در دادگاه‌های ایالات متحده باشد؟ مساله دوم این که آیا قانون مصونیت‌های دولت بیگانه می‌تواند مورد استناد دادگاه قرار گیرد و رسیدگی را به استناد مصونیت دولت ایران متوقف نماید؟ و مساله سوم این که آیا عهدنامه مودت می‌تواند مبنای اقامه دعوا و جبران خسارت اتباع طرفین معاهده باشد یا خیر؟ در غیر این صورت این مساله مطرح می‌گردد که آیا قوانین داخلی دیگر و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی می‌تواند مبنای حق اقامه دعوا و جبران خسارت باشد؟

^۱. Ibid.

^۲. معادل انگلیسی این عبارت Act of State Doctrine می‌باشد. در بیانیه الجزایر این عبارت به «تئوری کشوری» ترجمه شده است. پاراگراف ۱۴ بیانیه الجزایر، همین مقاله، ص ۱۰، پاورقی ۶.

^۳. International Customs.

^۴. McKesson VI, 1072.

^۵. McKesson Corporation. v. Islamic Republic of Iran, 752 F.Supp.2d 12, 23 (D.D.C.2010) ("McKesson 2010").

۱. دکترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولتها

به طور سنتی، قضات دادگاه‌های کشورهای کامن‌لا، با استناد به تفکیک قوا و اصل حاکمیت دولتها و تقید به نزاکت بین‌المللی، از محاکمه و دادرسی موضوعاتی که در صلاحیت قوه مجریه است، به استناد دکترین «عدم قابلیت محاکمه و دادرسی»^۱ امتناع ورزیده‌اند. دکترین عدم محاکمه و دادرسی، مربوط به موضوعاتی است که در حیطه‌ی وظایف قوای دیگر (به خصوص قوه مجریه) بوده و قوه قضاییه از رسیدگی به آن موضوعات، از جمله به دلایل سیاسی خودداری می‌کند.^۲ دکترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولتها نیز یکی از مصادیق بارز این اصل است. در حقوق انگلستان، لرد ولبرفوس^۳ به دکترین عدم محاکمه و دادرسی به عنوان یک اصل استناد کرده و بیان می‌دارد: «در حقوق انگلستان، اصلی وجود دارد که بر مبنای آن، دادگاه‌ها، اعمال [دولت‌های]^۴ خارجی را مورد محاکمه قرار نمی‌دهند»^۵. این اصل در نظر ولبرفوس به عنوان یک «پرهیز یا مانع قضایی» مورد توجه قرار گرفته که با استناد به آن، محاکم از رسیدگی به موضوعات خاص، پرهیز و رسیدگی به آن را از حیطه‌ی قوه قضاییه خارج می‌کنند.^۶ عدم محاکمه و دادرسی اقدامات مربوط به دولت بیگانه امری مطلق نیست و در حقوق انگلستان رویه‌ی محاکم به سمتی سوق پیدا کرده که دادگاه‌ها در شرایط خاص می‌توانند به بازنگری قضایی اقدامات دولتها بپردازند. در دادگاه‌های انگلستان در خصوص صلاحیت قوه مجریه و شرایط مربوط به انتظارات مشروع یا معقول از قوه مجریه^۷، دعاوی مختلفی مطرح گردیده است.^۸ برای نمونه در پرونده‌ای که مربوط به حمایت دیپلماتیکی یک تبعه انگلیسی در خارج از انگلستان بود، دادگاه تجدیدنظر انگلستان اعلام می‌دارد: «وزارت کشور بایستی مخیر باشد تا توجه کاملی

^۱ Non-Justifiability.

^۲ For more information see Act of State Doctrine, 6 Digest of International Law, Vol. 6, pp. 1-54 (1968); Allan B. Conant Jr., Act of State Doctrine and Its Exceptions: An Introduction, 12 Vanderbilt Journal of Transnational Law, pp. 259-272 (1979).

^۳ Lord Wilberforce.

^۴ در این مقاله واژه دولت به معنای عام مورد توجه بوده و بعضاً به جای واژه حاکمیت (Sovereignty) ترجمه شده است.

^۵ Buttes Gas and Oil Co. v. Hammer (No.3), 3 W.L.R. 787 (1981).

^۶ Ibid.

^۷ Legitimate or Reasonable Expectation.

^۸ Malcom N. Shaw, International Law, Cambridge University Press, 6th ed., 2008, 188.

به ملاحظات سیاست خارجی نموده [و این تصمیمات] قابل بررسی در محاکم نیست». دادگاه تجدیدنظر اضافه نمود که این رویه بدان معناست که علی‌الاصول بازنگری قضایی در این‌گونه تصمیمات قابل اعمال نیست؛ ولی این بدان معنی نیست که در هیچ‌وقت تصمیمات قوه مجریه قابل بازنگری نیست. در مواردی که انتظار شهروندان در رسیدگی به امری مشروع باشد، محاکم می‌توانند به این‌گونه درخواست‌ها توجه کنند؛ و این‌گونه بررسی و توجه برای نمونه در پرونده‌ای که حقوق اساسی اتباع کشوری مورد تعرض قرار می‌گیرد و کشور متبوع حمایت لازم را به عمل نمی‌آورد، شامل بررسی تمامی جوانب مربوط به پرونده به منظور ایجاد توازن بین دو امر یعنی اول انتظارات مشروع شهروندان از نحوه حمایت دیپلماتیکی دولت از شهروندان و دوم ملاحظات سیاسی قوه مجریه است.^۱

اصل «عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها»، ریشه در رویه‌ی دادگاه‌های کشورهای کامن‌لا دارد و برخلاف اصل مصونیت دولت‌ها، نمی‌توان آن را جزوی از حقوق بین‌الملل دانست. در حقوق آمریکا نیز اصل عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها توسط دادگاه‌ها مورد استناد قرار گرفته است. موسسه حقوق آمریکا^۲ در سومین مجموعه محشای حقوق روابط خارجی آمریکا^۳ در سال ۱۹۸۷ در تعریف اصل عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها بیان می‌دارد: «در صورت نبود یک معاهده و یا سایر توافقات شفاف در خصوص اصول حقوقی حاکم، دادگاه‌ها در ایالات متحده آمریکا به طور کلی از بررسی اعتبار اقدامات یک دولت بیگانه در خصوص مصادره‌ی اموال در داخل قلمرو داخلی خود، و یا محاکمه و دادرسی سایر اعمالی که توسط دولت بیگانه که دارای خصوصیت دولتی بوده و در داخل قلمرو حاکمیتی انجام و اعمال شده است، امتناع می‌نمایند».^۴

این اصل برای نخستین بار در دادگاه دیوان‌عالی کشور آمریکا در سال ۱۸۹۷ میلادی در پرونده‌ی آندرهیل علیه هرناندز^۵ مطرح گردید.^۶ در این دعوا دیوان‌عالی آمریکا از رسیدگی به قانونی بودن بازداشت یک شهروند آمریکایی در ونزوئلا و مصادره‌ی اموال وی توسط ارتش آن

^۱. Ibid.

^۲. American Law Institute.

^۳. Third United States Restatement of Foreign Relations Law.

^۴. Malcom N. Shaw, op.cit., 191

^۵. Underhill v. Hernandez; for more information about the case see Michael Zander, «Act of State Doctrine», 53 American Journal of International Law, pp. 826-852 (1959).

^۶. 169 U.S. 456 (1897).

کشور خودداری کرد. در آن پرونده قاضی فولر^۱ تصریح داشت:

«هر دولتی موظف به رعایت احترام استقلال دولت خارجی دیگر می‌باشد و دادگاه‌های یک کشور، اعمال دولت دیگر را که در محدوده‌ی قلمرو خودشان انجام شده، مورد محاکمه قرار نخواهند داد. جبران خسارات ناشی از آن اعمال، بایستی از طریق سازوکارهایی که توسط حاکمیت‌ها در دسترس قرار می‌گیرد، فراهم گردد»^۲.

و جالب آن که در رویه‌ی قضایی ایجاد شده در ایالات متحده؛ محاکم «مورد محاکمه قرار ندادن» این گونه رفتار حاکمیتی را به معنای معتبر دانستن اعمال دولت‌ها تفسیر کرده‌اند.^۳ به عبارت دیگر، دادگاه‌های ایالات متحده فرض می‌کنند که عمل دولت خارجی در داخل قلمرو حاکمیتی خود معتبر و صحیح است.

استناد به اصل عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها، مستلزم رعایت دو شرط ذیل می‌باشد: اول این که عمل انجام شده باید عملی حاکمیتی باشد و دوم این که در صورتی می‌توان به این اصل توسل نمود که عمل انجام شده داخل در قلمرو آن کشور انجام شده باشد.^۴

این شرط که عمل انجام شده باید عملی ناشی از اعمال حاکمیتی باشد، در دیوان عالی آمریکا در پرونده آلفرد دانهیل علیه کشور کوبا مطرح گردید.^۵ در پرونده مذکور، نظریه‌ی اکثریت قضات دیوان عالی مبتنی بر این امر بود که دکتین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها در خصوص اعمال صرفاً تجاری دولت‌های بیگانه قابل اعمال نیست.^۶ به عبارت دیگر قلمرو این اصل، اعمال حاکمیتی بوده^۷ و شامل اعمال تصدی‌گری دولت‌ها نخواهد بود.^۸

مشابه نظام حقوقی انگلستان، در نظام ایالات متحده نیز، رسیدگی به اموری که در حیطه‌ی اختصاصی قوه مجریه باشد ممکن است در قوه قضاییه نیز مورد بررسی مجدد قرار گیرد. برای

^۱. Fuller CJ.

^۲. 168 U.S. 252.

^۳. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به:

WS Kirkpatrick & Co Inc. v. Environmental Tectonics Corporation International, 493 U.S. 400 (1990).

^۴. Banco Nacional de Cuba v. Sabbatino, 376 U.S. 398, 401 (1964).

^۵. 425 U.S. 682 (1976).

^۶. Ibid, 728.

^۷. Jure gestionis.

^۸. Jure imperii.

مثال در پرونده پیکر علیه کار^۱، دادگاه دیوان عالی اعلام داشت؛ این فرض، فرض اشتباهی است که «در پرونده و یا اختلافی که مربوط به روابط بین‌الملل است، [رسیدگی به آن] خارج از قلمرو درک و شناسایی قضایی باشد»^۲. بنابر این، دادگاه‌ها نیز حق بررسی و رسیدگی به این گونه اختلافات را در موارد خاص دارند.

به طور سنتی دکتین عدم محاکمه و دادرسی جنبه‌ی اختیاری نداشته و دادگاه‌ها ملزم به پیروی از آن می‌باشند. البته همان‌طور که در قسمت بعد تشریح می‌شود؛ قوانین فدرال مختلفی در ایالات متحده آمریکا وضع شده که صلاحیت رسیدگی را به دادگاه‌های آمریکا در شرایط خاص اعطا می‌کند.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که تیم مذاکره کننده‌ی ایرانی بیانیه الجزایر^۳ با اشراف به دکتین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها در نظام حقوقی آمریکا، به این امر به عنوان مانعی در صلاحیت دادگاه‌های آمریکا در دادرسی به نفع ایران و استرداد اموال مصادره شده‌ی ایران در ایالات متحده اشراف داشته و از همین رو در پاراگراف ۱۴ بیانیه تصریح شده است: «ادعاهای ایران نبایستی به استناد اصول مصونیت دولت مستقل و یا به استناد قانون دکتین کشوری [همان دکتین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها] مردود تلقی گردد ...»^۴. بنابر این،

^۱. Baker v. Carr, 369 U.S. 186 (1962).

^۲. Ibid., 211.

^۳. Declaration of the Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria, General Declaration (19 January 1981).

^۴. در پرونده A/11 در دیوان داوری دعوی ایران و ایالات متحده (Islamic Republic of Iran v. The United States of America, Award No. 597-A11 (April 2000))، در خصوص اموال شاه رژیم سابق، هر یک از طرفین تفسیری متفاوت از پاراگراف ۱۴ بیانیه الجزایر ارائه نمودند. از دیدگاه ایران، ایالات متحده بر اساس این پاراگراف متعهد بود ادعای ایران در دادگاه‌های آمریکا مبنی بر استرداد اموال واقع شده در آن کشور را با استناد به ایرادات مقدماتی (مصونیت دولت مستقل) و یا سایر دلایل و دکتین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها رد ننماید؛ در حالی که آمریکا بر این نظر بود که تعهد آمریکا در اطمینان حاصل در استرداد اموال به ایران از طریق دادگاه‌های داخلی آمریکا تعهدی قطعی و ماهوی نبوده است و همان‌طور که در دعوی ایران در ایالات متحده مشخص گردید دادگاه‌ها با استناد به اصل دادگاه نامناسب (forum non conveniens) و یا اصل تفکیک قوا دعوی ایران را رد نمودند. نگاه کنید به:

Brigitte Stern, Immunities for Heads of State: Where Do We Stand? In JUSTICE FOR CRIMES AGAINST HUMANITY, Mark Lattimer and Philippe Sands eds., Hart Publishing, 2003, pp. 78-79

دادگاه‌های داخلی ایالات متحده نمی‌توانستند با استناد به این که توقیف اموال ایران تصمیمی مربوط به قوه مجریه بوده است، از بازپس دادن اموال ایران به بهانه نداشتن صلاحیت خودداری ورزند. نکته دیگری که باید بدان توجه داشت؛ تمایز اصل «عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها» از اصل «مصونیت دولت‌ها» است. به این معنا که اصل اول همان‌طور که قید شده راجع به امتناع دادگاه‌ها از رسیدگی به موضوعاتی است که روابط بین‌المللی دولت‌ها را به مخاطره می‌اندازد و به کارگیری این دکترین در خصوص مواردی است که طرفین دعوا در دادگاه‌ها معمولاً خودشان دولت و یا نمایندگان دولت نبوده و بیشتر در خصوص ماهیت عمل دولت خارجی است (شناسایی نتایج اعمال دولت‌های دیگر) تا این که آیا طرفین دعوا از لحاظ صلاحیت دادگاه‌ها دارای مصونیت می‌باشند یا خیر^۱ در حالی که کارکرد اصلی مصونیت دولت‌ها راجع به ممنوعیت اعمال صلاحیت محاکم داخلی کشورها بر دولت‌ها و نمایندگان آنهاست.

در پرونده مکسون و طی رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر، ایران استدلال کرد که دکترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها در این پرونده قابل اعمال است و با استناد به دو دلیل، اظهار داشت؛ نمی‌توانسته سود سهام شرکت مکسون را بپردازد. اولین دلیل این بود که مقررات کنترل ارزی از فوریه ۱۹۸۰ تا سپتامبر ۱۹۸۱ مانع از پرداخت سود سهام بوده و دیگر این که بعد از آن تاریخ نیز شرکت پاک به دلیل نداشتن اجازه از بانک مرکزی قادر به پرداخت سود سهام نبوده است. دادگاه تجدیدنظر در مقام پاسخ، این استدلال را رد^۲ و بیان می‌دارد؛ در این پرونده نمایندگان دولت ایران (به نمایندگی از ارگان‌های مختلف)، کنترل هیأت مدیره‌ی شرکت پاک را به دست گرفتند و سپس از پرداخت سهام آن‌ها، خودداری کردند؛ بدین اعتبار این اقدام بر اساس

^۱ برای اطلاع بیشتر در خصوص رابطه‌ی این دو اصل رجوع کنید به:

Ifeanyi Achebe, «The Act of State Doctrine and Foreign Sovereign Immunities Act of 1976: Can They Coexist?», Maryland Journal of International Law, Vol. 13:2, 247-300;

همچنین برای تمییز این دو مفهوم نگاه کنید به:

International Association of Machinists and Aerospace Workers v. OPEC, 649 F.2d 1354; Goldwater v. Carter 444 U.S. 966 (1979).

^۲ دادگاه تجدیدنظر با استناد به رای دیوان داورى نظر داد که دیوان داورى این امر را به طور ضمنی پذیرفته بود که اگر هیأت مدیره تصمیم می‌گرفت؛ می‌توانست سود سهام شرکت مکسون را بپردازد.

دکترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها نمی‌تواند به عنوان «عمل رسمی یک دولت» تلقی گردد.^۱ دادگاه تجدیدنظر می‌افزاید؛ در خصوص عدم پرداخت سود سهام شرکت مکسون، دولت ایران هیچ‌گونه قانون، حکم و یا دستوری صادر نکرده یا اقدام عملی انجام نداده که نشان‌گر آن باشد که عدم پرداخت سود سهام به دلیل ضبط اموال شرکت مکسون به منظور انتفاع عموم بوده است؛ هر چند دولت ایران این اختلاف را تغییر در کنترل هیأت مدیره و دعوای اکثریت و اقلیت سهام‌داران معرفی نموده است.^۲ دادگاه در ادامه اعلام می‌دارد؛ همان‌طور که قید گردید، این گونه کنترل هیأت مدیره، «عمل حاکمیتی یک دولت» قلمداد نمی‌گردد تا مشمول دکترین عدم محاکمه و دادرسی عمل دولت‌ها گردد.^۳

نکته دیگر این که ایران در دفاعیات خود به قانون خاصی در عدم پرداخت سود سهام به شرکت مکسون استناد نکرده است.^۴ در خصوص محدودیت ارزی نیز دادگاه تجدیدنظر اعلام داشت؛ در پرونده‌های گذشته ایران به این امر استناد نکرده بود و حال نمی‌تواند با ارائه‌ی این دلیل جدید خواستار بررسی مجدد امری شود که در چهار مرحله تجدیدنظر در طول بیش از ۲۰ سال توسط دادگاه ثابت شده است.^۵

۲. قانون مصونیت‌های دولت بیگانه

قانون مصونیت‌های دولت بیگانه در سال ۱۹۷۶ در نظام حقوقی آمریکا به تصویب رسید.^۶ به طور کلی، دادگاه‌های آمریکا از رسیدگی به دعوایی که خواندگان آن دولت‌های بیگانه بوده‌اند به دلیل عدم وجود صلاحیت خودداری می‌کردند.^۷ این مصونیت نزدیک به دو قرن در نظام حقوقی ایالات متحده وجود داشت. در بیشتر موارد دادگاه‌های آمریکا با اعمال مصونیت دولت مستقل از رسیدگی به چنین دعوای سر باز می‌زدند.

^۱. McKesson VI, 1074.

^۲. Ibid.

^۳. Ibid.

^۴. Ibid.

^۵. Ibid.

^۶. Foreign State Immunities Act, 28 USC § 1330 (1976).

^۷. For instance see *Schooner Exchange v. McFaddon*, 11 U.S. 116 (1812).

در سال ۱۹۵۲ قلمرو صلاحیت محاکم آمریکایی در خصوص دعاوی علیه دولت‌های خارجی و نمایندگان آن‌ها با دریافت مجوزی معروف به «نامه تیت»^۱ به طور عمده‌ای گسترش یافت.^۲ نامه تیت به دادگاه‌ها اجازه می‌داد؛ هم‌چنان مصونیت دولت‌های خارجی در مقابل دعاوی که مربوط به حاکمیت یا اعمال عمومی باشد را محترم بشمارند؛ اما محاکم می‌توانستند صلاحیت خود در خصوص اعمال دولتی را که جنبه‌ی تجاری یا خصوصی داشته (اعمال ناشی از تصدی‌گری)، اعمال نمایند.^۳ بنابر این، از آن تاریخ، تعیین مصونیت دولت‌ها در دو قوه مختلف و با استناد به عوامل متفاوت تعیین می‌گردد: در قوه مجریه توسط وزارت کشور آمریکا و در قوه قضاییه توسط قضاوت دادگاه‌های فدرال.^۴ یکی از دشواری‌ها در اجرای این روش، عدم وجود رویه‌ی ثابت و مشخص در تشخیص این مصونیت‌ها بود.^۵ بنابر این، به منظور جلوگیری از صدور آرای متناقض در دادگاه‌ها و صدور رای بر مبنای حقوقی مشخص و رویه‌ای که دادرسی عادلانه را تضمین نماید، کنگره آمریکا در سال ۱۹۷۶ قانون مصونیت‌های دولت بیگانه را وضع نمود.^۶ قانون مصونیت‌های دولت بیگانه به عنوان یک قانون فدرال مقرر می‌دارد: «دولت‌های بیگانه» و نمایندگان و دوایر تابعه‌ی آن‌ها از صلاحیت دادگاه‌های آمریکا مصون می‌باشند؛^۷ مگر این که مشمول یکی از موارد استثنای مقرر در قانون گردند.^۸ این قانون طی مواد مختلف، قلمرو مصونیت یک دولت بیگانه و رویه‌ی طرح دعوا علیه آن را تبیین می‌کند.^۹

^۱ این نامه از سوی Jake B. Tate، مشاور حقوقی وزارت کشور آمریکا صادر شده است. نگاه کنید به:

26 Department of State Bulletin 982-985 (1952).

^۲ تاریخچه این قانون در پرونده *Verlinden B.V. v. Central Bank of Nigeria*, 461 U.S. 480 (1983) بیان شده است.

^۳ 461 U.S. 488.

^۴ Ibid, 489.

^۵ Ibid.

^۶ Ibid.

^۷ 28 USC § 1604.

^۸ Ibid., §§ 1605 – 1607.

^۹ استثنائات مصونیت در بخش ۱۶۰۵ قانون به تصویب رسیده است. این استثنائات شامل دعاوی مربوط به فعالیت‌های تجاری، مصادره اموال، اعمال تروریستی و شبه‌جرم می‌باشد و در صورتی که دولت بیگانه‌ای مشمول یکی از استثنائات مقرر گردد مانند یک شخص حقوق خصوصی می‌توان در دادگاه‌های آمریکا علیه وی طرح دعوا نمود.

۱-۲. تعاریف مربوط به دولت بیگانه: بخش‌ها یا اجزای سیاسی، نهادها، نمایندگان و

دوایر تابعه

یکی از پی‌آمدهای اصل برابری دولت‌ها این است که نمی‌توان اعمال دولت‌ها و نمایندگان آن‌ها را در دادگاه‌های کشور دیگر مورد محاکمه قرار داد. اصل برابری دولت‌ها در بیانیه ۱۹۷۰ اصول حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفته است.^۱ بدیهی است صلاحیت یک دولت در قلمرو سرزمینی خود مطلق است؛ اما اصل برابری دولت‌ها این صلاحیت دادگاه‌های داخلی را نسبت به بررسی فعالیت دولت‌های خارجی در داخل قلمرو سرزمینی کشور دیگر تخصیص می‌زند. به بیان رییس دیوان دادگاه آمریکا، قاضی مارشال؛ «برابری مطلق و استقلال کامل حاکمیت‌ها ... منجر به افزایش یک سری از دعاوی شده که در آن این مساله مورد پذیرش قرار گرفته که یک حاکمیت از اعمال بخشی از صلاحیت سرزمینی انحصاری و کامل خود چشم‌پوشی می‌نماید...».^۲

اما آن‌چه در قانون مصونیت‌ها حائز اهمیت می‌باشد تعریف دولت بیگانه و اجزای آن است؛ در صورتی که نهادی مشمول قلمرو تعریف دولت واقع شود، آن نهاد از اصل مصونیت دولت مستقل بهره خواهد برد. قانون مصونیت‌ها در بخش ۱۶۰۳ به تعریف دولت بیگانه پرداخته است. تعریف یک دولت بیگانه شامل اجزا و بخش‌های زیرمجموعه‌ی دولت بیگانه نیز می‌گردد.^۳ علاوه بر

^۱ این اصل بیان می‌دارد: «تمامی دولت‌ها از حق حاکمیت برابر بهره‌مند هستند. آن‌ها به‌رغم تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا سایر موارد، دارای حقوق و تکالیف یکسان بوده و اعضای برابر در جامعه‌ی بین‌المللی هستند. به طور خاص، برابری حاکمیت شامل موارد زیر می‌شود:

الف) دولت‌ها از لحاظ حقوقی برابر هستند؛

ب) هر دولت از حقوق ذاتی ناشی از [اعمال] حاکمیت کامل برخوردار است؛

پ) هر دولتی موظف به احترام گذاشتن به شخصیت دولت‌های دیگر است؛

ت) تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها غیر قابل تعرض است؛

ث) هر دولتی حق دارد آزادانه نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی خود را انتخاب و توسعه دهد؛

ج) هر دولت موظف به رعایت کامل و با حسن نیت تعهدات بین‌المللی و زندگی صلح‌آمیز با دیگر دولت‌هاست.»

United Nations General Assembly, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations, A/RES/25/2625 (24 October 1970), available at: <http://www.un-documents.net/a25r2625.htm> (last visited 1 January 2014).

^۲ Schooner Exchange v. McFaddon, 11 U.S. 137 (1812).

^۳ 28 USC § 1603: a.

موارد فوق، نمایندگان و ادارات و دواير تابعه‌ی آن نیز مشمول این قانون بوده و متضمن هر گونه نهادی است که (۱) دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده؛ (۲) آن نهاد متعلق به یک دولت بیگانه و بخشی از بدنه‌ی سیاسی آن باشد و همچنین اکثریت سهام یا منافع مالکیتی آن متعلق به کشور بیگانه و یا بخش سیاسی آن باشد؛ و (۳) شهروند ایالات متحده آمریکا نباشد و یا بر اساس قانون کشور ثالث ایجاد نشده باشد.^۱

برای رسیدن به این نتیجه که یک نهاد خاص، نهادی دولتی یا غیر دولتی است توجه به ماهیت خاص و عملکرد آن نهاد ضروری است. دادگاه‌های آمریکا استانداردهای مختلفی را در این خصوص ارائه کرده‌اند. به عنوان نمونه، دادگاه بخش ایالات متحده برای منطقه آیداهو در پرونده‌ای^۲ در سال ۲۰۱۱ برای تشخیص این که آیا نهادی مشمول تعاریف ارائه شده در قانون مصونیت‌ها می‌شود یا خیر؛ اعلام داشت دادگاه بایستی عوامل زیر را مورد بررسی قرار دهد:

۱- شرایطی که پیرامون تشکیل آن نهاد وجود داشته است؛

۲- هدف فعالیت‌های آن نهاد؛

۳- استقلال آن نهاد از دولت؛

۴- میزان حمایت مالی دولت؛

۵- شرایط استخدامی؛ و

۶- تعهدات و امتیازات آن نهاد بر اساس قانون.^۳

دادگاه با در نظر گرفتن موارد فوق، می‌تواند تعیین نماید که آیا نهاد مزبور نهادی دولتی یا خصوصی است و بر مبنای آن اعمال مصونیت یا عدم مصونیت را تجویز کند.

^۱. 28 USC § 1603: b;

همچنین نگاه کنید به: ماده ۵ کنوانسیون سازمان ملل در مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آنها UN General Assembly, United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and their Property, A/RES/59/38 (2 December 2004) available at: https://treaties.un.org/doc/source/RecentTexts/English_3_13.pdf (last visited 1 January 2014).

^۲. In re Fresh and Process Potatoes Antitrust Litigation, 834 F. Supp. 2d 1141 (United States District Court, District of Idaho, 2011).

^۳. Ibid., 1178.

۲-۲. اعمال دولتی و اعمال تجاری: «آزمون شناسایی کارکرد اصلی»

دولت‌ها، نهادها و ادارات وابسته به آن‌ها ممکن است به فعالیت‌هایی بپردازند که ناشی از اعمال حاکمیت آن‌ها نباشد. این حالت به خصوص در مورد نهادها و ادارات وابسته به دولت‌ها ممکن است به وقوع بپیوندد. دادگاه‌ها برای تعیین این که آیا فعالیت یک نهاد تجاری است یا غیر تجاری؛ به تعریف یک سری شرایط پرداخته‌اند که اگر فعالیت‌های غالب یک نهاد و به عبارت دیگر کارکرد اصلی آن در اموری متمرکز بود که ماهیتی دولتی - حاکمیتی داشت، نهاد مزبور را جزئی از دولت بیگانه قلمداد می‌نمایند، اما اگر کارکرد اصلی یک نهاد غالباً امری تجاری باشد، استاندارد حمایتی کم‌تری را بر اساس قانون مصونیت‌های دولت بیگانه آمریکا نسبت به آن نهاد اعمال خواهند نمود.

آزمون شناسایی کارکرد اصلی یک نهاد^۱ در سال ۲۰۱۱ توسط دادگاه بخش چهارم ایالات متحده مطرح گردید.^۲ در این سال، پیمان کاری آمریکایی دعوایی را علیه وزارت دفاع عراق به علت عدم پرداخت ثمن تجهیزات ارتش عراق اقامه نمود.^۳ در اجرای قرارداد، خواهان میزانی از تعهدات خود مانند حسابداری، برنامه‌نویسی رایانه‌ای و موارد مشابه را در خاک آمریکا انجام داده بود و دادگاه النهایه با بررسی پرونده و با اعمال آزمایش شناسایی کارکرد وزارت دفاع عراق، تشخیص داد که کارکرد اصلی وزارت دفاع عراق ذاتاً امری دولتی است.^۴ اما از سوی دیگر همان‌طور که در بخش استثنائات قانون مصونیت بحث می‌شود، موضوع قرارداد مشمول استثنائات شده و منجر به اعمال صلاحیت دادگاه گردید.^۵

۲-۳. استثنائات وارد بر مصونیت دولت‌ها: فعالیت تجاری و توقیف اموال

علاوه بر اسقاط حق مصونیت^۶، مسئولیت مدنی غیر تجاری^۷، داورى^۸، و تروریسم^۹؛ دو استثنای

^۱ آزمون شناسایی کارکرد اصلی، به منظور رسا بودن ترجمه Core Functions Test انتخاب شده است.

^۲ Wye Oak Technology, Inc. v. Republic of Iraq, 666 F.3d 205, 215 (4th Cir. 2011).

^۳ Ibid., 216.

^۴ Ibid., 215.

^۵ Ibid.

^۶ 28 USC § 1605 (A)(1).

^۷ Ibid., (A)(5).

^۸ Ibid., (A)(6).

^۹ Ibid., (A)(7).

مهم دیگر نیز در اعمال اصل مصونیت دولت در این قانون مطرح شده است: فعالیت تجاری و ضبط و توقیف اموال^۱. پس از تعیین این که یک نهاد، دولتی است، آن نهاد به طور بالقوه از مصونیت برخوردار خواهد بود. سپس دادگاه بایستی رسیدگی نماید که آیا فعالیت‌های آن نهاد مشمول یکی از استثنائات مصرح در قانون مصونیت‌ها می‌باشد یا خیر؟ فعالیت تجاری همان‌طور که در قانون تعریف شده به معنای مجموعه رفتار تجاری عادی و یا یک معامله‌ی تجاری خاص است^۲. در قانون تصریح شده که ماهیت تجاری یک فعالیت با بررسی طبیعت (ماهیت) مجموعه‌ی رفتار، معامله‌ی خاص و یا یک عمل و نه با رجوع به هدف آن، تعیین می‌گردد^۳. راهنمای ارائه شده در پرونده جمهوری آرژانتین علیه ولت اور^۴ تاکید دارد که فعالیت‌های یک دولت بیگانه در شرایطی که به عنوان یک بازی‌گر خصوصی در بازار و نه به عنوان یک تنظیم‌کننده‌ی بازار اقدام می‌کند، عملی تجاری است^۵. در همین راستا دادگاه‌های آمریکا در موارد متعددی از جمله ادغام یک بانک دولتی و فروش اموال آن^۶، خرید مجوز بهره‌برداری و حق توزیع کدهای نرم‌افزار رایانه‌ای^۷، و حتی صلح و سازش در خصوص یک دعوای حقوقی^۸، بدون در نظر گرفتن هدف انجام این‌گونه اقدامات، این اعمال را فعالیتی تجاری برشمرده‌اند.

علاوه بر شرایط فوق، قانون تصریح دارد که بایستی بین فعالیت تجاری و ایالات متحده رابطه‌ای نزدیک وجود داشته باشد. شرط رابطه‌ی نزدیک در قانون مصونیت‌ها احصا شده است. این قانون مقرر می‌دارد فعالیت‌های تجاری دولت خارجی از صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های آمریکا، در شرایطی که ادعا بر مبنای یکی از موارد زیر باشد، مصون نخواهد بود:

^۱. به دلیل این که موضوع پرونده مکسون به اعمال تجاری و گرفتن اموال مربوط می‌شود، از توضیح سایر موارد خودداری می‌شود.

^۲. 28 USC § 1603 (d).

^۳. Ibid.

^۴. Republic of Argentina v. Weltover, Inc., 504 U.S. 607 (1992).

^۵. Ibid., 614.

^۶. Fir Tree Capital Opportunity Master Fund, LP v. Anglo Irish Bank Corp. Ltd., 2011 Westlaw 6187077 (Southern District Court of New York, 2011).

^۷. CYBERSitter LLC v. People's Republic of China, 805 F. Supp. 2d 958, 962 (Central District of California, 2011).

^۸. Fagan v. Republic of Austria, 2011 Westlaw 1197677 (Southern District Court of New York, 2011).

(۱) در موردی که دعوا به استناد فعالیت تجاری باشد که در ایالات متحده آمریکا توسط دولت خارجی انجام شده است؛ یا

(۲) در موردی که دعوا مبتنی بر عملی باشد که در ایالات متحده در رابطه با یک فعالیت تجاری یک دولت بیگانه در جایی دیگر باشد؛ و یا

(۳) در موردی که دعوا به استناد عملی خارج از قلمرو ایالات متحده ولی در رابطه با عمل تجاری دولت بیگانه در جایی دیگر باشد که دارای اثر مستقیم در ایالات متحده است.^۱

تعریف «اثر مستقیم» در رویه‌ی قضایی ایالات متحده یک‌پارچه نبوده و تفاسیر متفاوتی از آن ارائه شده است. در حالی که بعضی دادگاه‌ها شرط اثر مستقیم را فعالیتی می‌دانند که قانوناً با اهمیت است، بعضی دیگر این شرط را لازم ندانسته‌اند.^۲ از طرفی، در رویه محاکم تأکید شده است که اثر مستقیم لازم نیست قابل پیش‌بینی و یا اساسی باشد، بلکه یک اثر اگر به عنوان نتیجه‌ی سریع فعالیت خواننده عمل نماید، اثر مستقیم تلقی می‌گردد.^۳

استثنای بعدی مفهوم «گرفتن» یا «ضبط»^۴ برخلاف حقوق بین‌الملل می‌باشد. قانون مصونیت‌ها در این خصوص مقرر می‌دارد؛ استثنا بر مصونیت‌ها در صورتی اعمال می‌گردد که «موضوع دعوا ضبط حقوق برخلاف حقوق بین‌الملل باشد و آن مال و یا معوض آن در ایالات متحده وجود داشته [و] مربوط به یک فعالیت تجاری باشد که در ایالات متحده توسط دولت بیگانه انجام شده است؛ یا آن مال یا معوض آن توسط نماینده یا اداره آن دولت بیگانه اداره یا تملیک شود که آن نماینده یا اداره به فعالیت تجاری در ایالات متحده مشغول باشد».^۵

برای استناد به این استثنا، خواهان باید ثابت کند که ضبط اموال توسط دولت بیگانه یا نماینده یا اداره انجام شده است،^۶ و آن مال یا معوض آن در آمریکا وجود داشته و آن دولت یا

^۱. 28 USC § 1605 (A)(2).

^۲. برای مقایسه آرا نگاه کنید به:

Gosain v. State Bank of India, 414 F. App'x 311 (2d Circuit, 2011); Fagan v. Republic of Austria, No. 08 Civ. 6715, 2011 WL 1197677.

^۳. Gosain v. State Bank of India, 414 F. App'x 311 (2d Circuit, 2011).

^۴. Taking.

^۵. 28 USC § 1605 (A)(3).

^۶. Orkins v. Swiss Confederation, 770 F. Supp. 2d 612, 616 (South District of New York, 2011).

نماینده به فعالیت تجاری در ایالات متحده اقدام می‌نماید.^۱

در پرونده مکسون، ایران، ایراد عدم صلاحیت را به استناد قانون مصونیت‌ها مطرح ساخت که با رد آن توسط دادگاه، ایران تقاضای تجدیدنظر نمود. دادگاه در سه رای خود به این مساله پرداخت که آیا ایران می‌تواند به مصونیت دولت مستقل به استناد قانون مصونیت‌ها استناد کند و آیا استثنای عمل تجاری در پرونده قابل اعمال می‌باشد یا خیر؟^۲

دادگاه تجدیدنظر در دعوی مکسون یک، نظر دادگاه بخش را تایید نمود که با استناد به دلایل ارائه شده از طرف شرکت فرمست^۳، اقدام ایران را در تغییر هیأت مدیره‌ی شرکت پاک، اقدامی تجاری دانسته بود که در حقیقت خارج از قلمرو ایالات متحده محقق شده اما دارای اثر مستقیم در ایالات متحده بوده است. بنابر این، آن عمل مشمول استثنا قانون مصونیت‌ها دانسته شد و اعلام گردید؛ ایران نمی‌تواند به مصونیت خود استناد نماید.^۴

ایران در این خصوص به این استدلال بسنده کرد که ادعای شرکت مکسون بر این مبناست که عمل دولت ایران «مصادره اموال» است؛ و بنابر این مصادره اموال، عملی دولتی است و فعالیت تجاری محسوب نمی‌شود.^۵ دادگاه با رد این استدلال اعلام داشت؛ ایران هیچ‌گونه دلیلی ارائه نکرده است که شرکت پاک، ملی اعلام شده یا اموال آن مصادره گردیده است و این که ایران تنها ادعا نموده که اختلاف با شرکت مکسون، اختلاف بین سهام‌داران اقلیت و اکثریت می‌باشد.^۶ به این ترتیب اعلام شد؛ این که ایران به درستی دلیلی مبنی بر تجاری نبودن عمل خود ارائه نداده و صرفاً ادعا نموده دولت ایران نقشی در کنترل هیأت مدیره نداشته منجر به پذیرش این امر شده است که عمل هیأت مدیره عملی تجاری بوده و ناشی از اعمال حاکمیت نیست.^۷

^۱. Community Finance Group, Inc. v. Republic of Kenya, 663 F. 3d 981 (8th Cir. 2011).

^۲. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

McKesson I, 449-51; McKesson II, 350-351; McKesson III, 1106-07.

دادگاه پس از احراز قابلیت اعمال استثنای عمل تجاری، بررسی استثنای ضبط اموال را ضروری ندانسته است.

^۳. شرکت مکسون و Foremost در دهه ۱۹۶۰ در هم ادغام گردیدند.

^۴. McKesson II, 349; McKesson I, 448.

^۵. McKesson I, 448.

^۶. Ibid.

^۷. McKesson I, 450.

ایران همچنین دفاع نمود که هیچ‌کدام از امور مورد نظر، تاثیری مستقیم در ایالات متحده آمریکا نداشته است. ایران استدلال کرد؛ به استناد رویه‌ی موجود، تاثیر باید اساسی و قابل پیش‌بینی باشد.^۱ در مقابل مکسون استدلال کرد که بر اساس قرارداد جوینت ونچر می‌بایستی به طور منظم سرمایه، اطلاعات مهندسی، وسایل و مواد اولیه و بسته‌بندی و حتی پرسنل و خدمات مدیریتی به ایران فرستاد می‌شد و شرکت مکسون استدلال نمود که نتایج ناشی از قطع این همکاری کاملاً در قرارداد قید شده و قابل پیش‌بینی و همچنین اساسی بوده است.^۲ این استدلال طی دعاوی مکسون دو و سه در دادگاه تجدیدنظر تایید گردید.

۳- حق اقامه دعوی خصوصی بر مبنای عهدنامه مودت

معاهدات مودت، تجارت و دریانوردی، معاهداتی دوجانبه هستند که بین دولت ایالات متحده و سایر کشورها به منظور توسعه‌ی روابط تجاری منعقد گردیده است. موضوعات این گونه معاهدات مودت بسیار گسترده بوده و به تناسب توسعه‌ی روابط ایالات متحده و کشورها شامل بازرگانی، حمل‌ونقل، مالیات، تأسیس شرکت، حق مربوط به ارث، حقوق مالکیت فکری، حمایت‌های سرمایه‌گذاری، حقوق بشر، مهاجرت و حتی حقوق مربوط به حقوق کارگران می‌شود.^۳ نزدیک به ۴۰ سال است که ایالات متحده چنین معاهده کلی را با کشورهای دیگر امضا نکرده است. البته بیش از ۴۰ عهدنامه‌ی مودت هنوز معتبر و لازم‌الاجراست.^۴

قابل ذکر است که انعقاد معاهدات چندجانبه یا دوجانبه با موضوعات تخصصی بین ایالات متحده آمریکا و سایر دولت‌ها، تا حدی اجرای معاهدات مودت را تحت تاثیر خود قرار داده و همان‌طور که در این قسمت مطرح می‌گردد دادگاه‌های داخلی ایالات متحده با تلاش در احراز قصد طرفین قرارداد، به تفسیر متن معاهدات و بررسی اعتبار و قلمرو اجرایی آن با رویه‌ای غیر منسجم پرداخته‌اند.

^۱ Ibid.

^۲ Ibid, 451.

^۳ John F. Coyle, «The Treaty of Friendship, Commerce and Navigation in the Modern Era», 51 Columbia Journal of Transnational Law 302, 304, 2013.

^۴ Ibid., 310 (see footnote 31 for the list of friendship, commerce and navigation treaties).

عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا^۱ از نوع معاهدات مودت، بازرگانی و دریانوردی می‌باشد. این معاهده به استناد بند ۲ و ۳ ماده ۲۳ معاهده فسخ نشده و همچنان در نظام حقوقی طرفین معتبر است.^۲ بند ۱ ماده ۴ عهدنامه مودت مقرر می‌دارد:

«هر یک از طرفین ... در تمام مواقع نسبت به اتباع و شرکت‌های طرف ... دیگر و اموال موسسات ایشان رفتار منصفانه و عادلانه مرعی خواهد داشت و از اتخاذ اقدامات غیر معقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی ایشان لطمه وارد آورد خودداری خواهد نمود و برای اجرای حقوق قانونی آنان که در نتیجه قراردادی به دست آمده باشد،[و سایر موثری طبق قوانین مربوطه تهیه و تامین خواهد کرد».

بند ۲ همان ماده تصریح می‌دارد:

«اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین ... از جمله منافع ناشی اموال، از حد اعلاای حمایت و امنیت دایم به نحوی که در هیچ مورد کم‌تر از مقررات قانون بین‌المللی نباشد در داخل قلمرو طرف متعاقد ... دیگر برخوردار خواهد بود. این اموال جز به منظور نفع عامه آن‌هم بی آن که غرامت عادلانه آن‌ها به اسرع اوقات پرداخت شود گرفته نخواهد شد. غرامت مزبور باید به وجه موثری قابل تحقق باشد و به نحو کامل معادل مالی خواهد بود که گرفته شده است و قبل از آن که گرفته یا در حین گرفتن مال، قرار کافی جهت مبلغ غرامت و پرداخت آن داده شده باشد».

مساله قابل طرح این است که در صورت معتبر بودن عهدنامه مودت، آیا معاهده‌ی مزبور به

^۱ قانون مربوط به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا، مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۳۵ مجلس شورای ملی (تاریخ انتشار ۱۳۳۶/۳/۱۵).

^۲ بند ۲ ماده ۲۳ عهدنامه اذعان می‌دارد: «عهدنامه‌ی فعلی، یک ماه پس از تاریخ مبادله‌ی اسناد مصوب به اجرا گذاشته خواهد شد. این عهدنامه مدت ده سال معتبر خواهد بود و پس از آن نیز تا موقعی که به ترتیب مقرر در این عهدنامه پذیرد به قوت خود باقی خواهد بود»؛ بند ۳ همان ماده مقرر می‌دارد: «هر یک از طرفین معاهده می‌تواند با دادن اخطار کتبی به مدت یک سال به طرف معظم متعاقد دیگر در انقضای مدت دو سال اول یا هر موقع پس از آن، این عهدنامه را فسخ کند». برای مطالعه بیشتر در خصوص اعتبار معاهده مودت در دیوان دادگستری بین‌المللی و دیوان دآوری دعوی ایران و ایالات متحده نگاه کنید به: شهیازی، آرامش، «اعتبار عهدنامه مودت (۱۹۵۵) و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۴، ۱۳۹۰، صص ۷۱-۵۵.

صورت خودکار در نظام حقوقی آمریکا قابل اجراست یا خیر؟^۱ همچنین باید بررسی شود که آیا به استناد عهدنامه مودت حق اقامه دعوا برای اشخاص حقوق خصوصی ایجاد می‌شود یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، روش تعیین میزان محاسبه خسارات چگونه خواهد بود.

در نظام حقوقی ایالات متحده، معاهدات بین‌المللی قانون برتر محسوب می‌شوند.^۲ به طور سنتی دیوان عالی کشور بین دو نوع معاهده تمییز قائل شده است؛ معاهداتی که «برابر با قانون» تلقی گردیده و در محاکم به خودی‌خود قابل اجرا هستند؛ و معاهداتی که نیازمند قانون داخلی برای اجرای آنهاست و کنگره و رییس جمهور آمریکا باید آنها را در قالب وضع قانون اجرا کنند.^۳ معاهدات دسته‌ی اول به طور خودکار در نظام داخلی لازم‌الاجرا قلمداد می‌گردند. با این وصف، در صورت نبود قانونی که اجرای این معاهدات را تجویز کند، آنها به خودی‌خود تعهد حقوقی را برای متعاهدین ایجاد خواهند نمود.^۴

البته توجه به این نکته ضروری است که اجرای خودکار معاهدات لزوماً به معنای حق اقامه دعوا و مطالبه خسارت به استناد آن معاهده توسط اشخاص حقوق خصوصی علیه دولت‌ها نیست. گفتنی است در آرای صادره از دادگاه‌های ایالات متحده، در این خصوص، نظرات مختلفی ابراز شده است.

دیوان عالی کشور آمریکا تا نیمه‌ی قرن ۲۰^۵، تمایزی میان اجرای خودکار معاهدات، حقوق خصوصی و حق اقامه دعوی اشخاص حقوق خصوصی، قائل نبود و در آن دوران اگر معاهده‌ای به حقوق اشخاص خصوصی مربوط می‌شد، به طور معمول فرض بر آن بود که به طور خودکار قابل اجرا بوده و می‌توانست مبنای طرح دعوی اشخاص خصوصی نیز واقع شود.^۶ رویه‌ی

^۱. این که آیا معاهده مودت در نظام حقوقی آمریکا Self-executing می‌باشد یا خیر؟

^۲. ماده ۶، بند ۲ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا.

^۳. Oona A. Hathaway, Sabrina McElroy and Sara Aronchik Solow, «International Law at Home: Enforcing Treaties in U.S. Courts», 37 Yale Journal of International Law 51, 52, 2012.

^۴. Ibid., 56.

^۵. Ibid., 57.

از سال ۱۷۹۰ تا ۱۹۴۷ میلادی ۲۲ پرونده در دادگاه‌های آمریکا، معاهدات بین‌المللی را به طور خودکار قابل اجرا دانسته و حقوق خصوصی برای اشخاص بر مبنای معاهده در نظر گرفته است.

^۶. Ibid.

محاکم در این دوره هماهنگ بود؛ به این معنی که اگر معاهده‌ای، حقی خصوصی (حق مالکیت، قرارداد، ارث و غیره) را برای اشخاص ایجاد می‌کرد، آن معاهده می‌بایست به طور خودکار نیز در ایالات متحده اجرا شود و ضرورتاً حق اقامه دعوا برای اشخاص خصوصی جهت جبران خسارت ناشی از آن تعهدات قابل تصور بود.^۱ برای نمونه دادگاه در پرونده فاستر علیه نیلسون^۲ استدلال کرد؛ اگر یک معاهده، حقی را به اشخاص خصوصی اعطا کرد و اشاره‌ای برای وضع قانون به منظور اجرایی شدن آن نمود، این بدان معناست که اقدام مستقل کنگره برای اجرایی شدن آن معاهده در حقوق داخلی لازم نیست.^۳

در دوره بین جنگ جهانی دوم تا صدور رای پرونده مدلین^۴ در سال ۲۰۰۸ رویه‌ی دادگاه‌ها با آرای متناقضی روبه‌رو گردید؛ باوجود این، هم‌چنان دادگاه‌ها اکثراً بر این نظر بودند که معاهداتی که حق خصوصی را برای اشخاص ایجاد می‌کنند، به طور خودکار قابل اجرا بوده و آن حقوق با طرح دعاوی توسط اشخاص ذینفع در دادگاه‌های داخلی متعاهدین قابل پی‌گیری است.

با پیوستن ایالات متحده به معاهدات حقوق بشری، اجرای خودکار این معاهدات مورد انتقاد قرار گرفت و به تدریج محاکم آمریکا از اجرای خودکار این نوع معاهدات بین‌المللی امتناع کردند؛^۵ گرچه هم‌چنان در خصوص معاهداتی که مربوط به روابط تجاری و اقتصادی بود، برای اشخاص خصوصی حق اقامه دعوا قائل بودند.^۶

در ادامه‌ی این تحولات، در پرونده مدلین^۷ در سال ۲۰۰۸ دیوان عالی کشور آمریکا در پاورقی رای خود تصریح کرد: «حتی در زمانی که معاهدات به طور خودکار اجرا می‌شوند به این معنی که قوانین فدرال را ایجاد می‌کنند، پیش‌فرض این است که توافقات بین‌المللی حتی [توافقاتی] که به طور مستقیم اشخاص خصوصی را منتفع می‌نمایند، حقوق خصوصی و یا حق اقامه دعوا برای

^۱. Ibid., 58.

^۲. Ibid (citing Foster v. Neilson, 27 U.S. 253, 314 (1829)).

^۳. Ibid.

^۴. Medellin v. Texas, 552 U.S. 491 (2008).

^۵. Hathaway, McElroy and Aronchik Solow, op.cit., 51, 63

^۶. Ibid., 64 (citing BP Oil International, Ltd. v. Empresa Estatal Petoleos de Ecuador, 332 F.3d 333, 336 (5th Cir. 2003); Choi v. Kim, 50 F.3d 244 (3d Cir. 1995)).

^۷. Medellin v. Texas, 552 U.S. 491 (2008).

اشخاص حقوق خصوصی در دادگاه‌های داخلی ایجاد نمی‌کنند»^۱. پس از این رای، این دیدگاه بیشتر مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه در دو پرونده که مربوط به نقض کنوانسیون وین در خصوص حق داشتن مشاور حقوقی در هنگام دستگیری اتباع بیگانه بودند، شعب دوم و یازدهم دادگاه عالی استدلال کردند کنوانسیون وین حق اقامه دعوا را به اشخاص خصوصی اعطا نمی‌نماید.^۲

پرونده مکسون از این حیث مهم است که دادگاه بدوی منطقه کلمبیا در سال ۲۰۰۱ استدلال می‌کند؛ حق اقامه دعوی اشخاص حقوق خصوصی به استناد عهدنامه مودت ایران و ایالات متحده آمریکا وجود دارد و شرکت مکسون می‌تواند با استناد به عهدنامه مودت در دادگاه فدرال ایالات متحده اقامه دعوا کند.^۳ اما پس از نقض رای و سپس پس از صدور رای مدلین، دادگاه بدوی منطقه کلمبیا نظری مخالف ابراز و استدلال کرد؛ عهدنامه مودت نمی‌تواند منجر به اعطای حق اقامه دعوا به اشخاص خصوصی گردد.^۴

دادگاه تجدیدنظر در مکسون شش، نظر دادگاه مدلین را تایید و اعلام می‌کند؛ عهدنامه مودت حق اقامه دعوا برای اشخاص خصوصی ایجاد نمی‌نماید.^۵ دادگاه بخش نیز همین نظر را در جلب دادرسی تایید کرد.

دادگاه تجدیدنظر با رد این استدلال که حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌تواند مبنای اقامه دعوا برای اشخاص خصوصی در دادگاه‌های ایالات متحده باشد،^۶ به این استدلال پرداخت که عهدنامه مودت بر اساس تفسیر ارائه شده در حقوق ایران، می‌تواند حق اقامه دعوا برای اشخاص حقوق خصوصی ایجاد کند.^۷

ایران نیز متقابلاً این نظر را تایید کرد که عهدنامه مودت بر اساس قانون ایران حق اقامه دعوا به اشخاص خصوصی اعطا می‌کند، اما استدلال کرد؛ این دعوا بایستی در دادگاه‌های ایران

¹. Ibid., 506, n. 3.

². Mora v. New York, 524 F.3d 183, 200 (2d. Cir. 2008) and Gandara v. Bennett, 528 F.3d 823, 828 (11th Cir. 2008).

³. McKesson HBOD, Inc, v. Islamic Republic of Iran, 271 F.3d 1101, 1107-08 (D.C. Cir. 2001).

⁴. McKesson Corporation v. Islamic Republic of Iran, 539 F.3d 485 (D.C. Cir. 2008).

⁵. McKesson VI, 1075.

⁶. Ibid., 1077-78.

⁷. McKesson VI, 1078.

اقامه گردد^۱. دولت ایران با استناد به متن ماده ۳ بند ۲ معاهده مودت مدعی شد؛ طرفین توافق کرده‌اند دولت میزبان به اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان رسیدگی کند. بند ۲ ماده ۳ عهدنامه مودت مقرر می‌دارد: «اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین ... به منظور این که عدالت بی‌طرفانه [در] اسرع وقت اجرا شود در کلیه‌ی مراحل قضایی، هم در دفاع و هم در تعقیب حقوق خود به محاکم دادگستری و موسسات اداری طرف ... متعاهد دیگر آزادانه دسترسی خواهند داشت». در مقابل دادگاه تجدیدنظر استدلال کرد تضمین دسترسی به دادگاه‌های دولت میزبان به معنی صلاحیت اجباری برای استفاده از آن دادگاه نیست^۲. همچنین دولت ایران به بند ۲ ماده ۴ معاهده استناد کرد که به حمایت از حق مالکیت و غرامت عادلانه در صورت مصادره به نفع عامه حکم می‌دهد. این ماده نیز به استدلال دادگاه تجدیدنظر در خصوص صلاحیت طرح دعوا ساکت است^۳. آخرین استدلال دولت ایران به ماده ۲۱ عهدنامه مودت مربوط می‌شود که مقرر می‌دارد؛ هر اختلافی بین طرفین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه‌ی فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت‌بخش فیصله نیابد، به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد مگر این که طرفین توافق کنند که اختلاف به روش‌های مسالمت‌آمیز دیگری حل شود. دادگاه تجدیدنظر در این خصوص استدلال کرد؛ ماده مزبور صلاحیت دادگاه‌های داخلی هر یک از طرفین را منع نمی‌کند و ارجاع به دیوان دادگستری بین‌المللی، مربوط به دعاوی بین دولت‌ها می‌باشد و نه اختلاف بین دولت‌ها و اتباع دولت دیگر، زیرا صلاحیت دیوان مختص حل اختلاف بین دولت‌ها می‌باشد^۴.

نتیجه‌گیری

اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایالات متحده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و تجویز اقامه دعوا توسط اشخاص خصوصی علیه دولت‌ها با استناد به عهدنامه مودت (بر اساس تفسیر ارائه شده در حقوق ایران) و صدور حکم به پرداخت خسارات به نفع اشخاص خصوصی نشان‌گر بازنگری عمده در مسئولیت دولت‌ها در قبال سرمایه‌گذاران در صحنه‌ی بین‌المللی است. اما در عین حال

1. Ibid.

2. Ibid.

3. Ibid.

4. Ibid., 1079.

استناد به عهدنامه مودت و ایجاد حق اقامه دعوا برای سرمایه‌گذاران علیه دولت میزبان، در شرایطی که برداشت چنین تفسیری از قصد متعاهدین مورد تردید می‌باشد، امری صحیح به نظر نمی‌رسد. به عبارت دیگر تفسیر عهدنامه مودت برخلاف قصد صریح متعاهدین و بدون در نظر گرفتن ظرفیت حقوقی عهدنامه به نحوی که منجر به شناسایی حق اقامه دعوی اشخاص خصوصی در دادگاه‌های محلی علیه متعاهدین عهدنامه گردد، می‌تواند پی‌آمدهای غیر قابل جبرانی برای آن دولت‌ها داشته باشد. به همین دلیل، قضات دادگاه‌های ایالات متحده، حق اقامه دعوا را بر مبنای تفسیر ارائه شده در حقوق آمریکا مورد پذیرش قرار نداده و با استناد به دفاعیات وکلای دولت ایران و تفسیر ارائه شده از حقوق داخلی ایران، حق اقامه دعوا توسط اشخاص خصوصی را به شرکت مکسون علیه دولت ایران اعطا نمودند.

متأسفانه درهم تنیده شدن واقعیت‌های پرونده‌ی داوری دیوان داوری ایران و آمریکا با پرونده مطروحه در واشنگتن دی‌سی و نیز تاثیر عوامل سیاسی، ازجمله عوامل غیر حقوقی بودند که در صدور رای علیه ایران نقش داشتند. از طرف دیگر طولانی شدن روند پرونده و تاثیر آن در انسجام و هماهنگی دفاعیات تیم حقوقی و همچنین عدم آشنایی کامل با نظام حقوقی ایالات متحده و به خصوص ادله اثبات دعوا و بار اثبات دلیل، تاثیر منفی غیر قابل انکاری در روند پرونده مکسون داشته‌اند. به نظر می‌رسد کاستی‌هایی که به طور مستمر در ارائه استدلال‌ات توسط وکلای دولت ایران در توجیه عدم پرداخت سود سهام به شرکت مکسون و عدم استناد صحیح به قانون مصونیت‌های دولت بیگانه و اثبات این امر که عدم پرداخت سود سهام ناشی از مصادره‌ی اموال و تصمیمی دولتی بوده و عدم اعتراض به مواردی همچون معقولانه بودن میزان حق الوکاله‌ی وکلا و یا میزان بهره‌ی صادره و حتی در بعضی موارد تایید استدلال طرف مقابل باعث تسهیل در صدور رای علیه ایران گردیده است.

منابع

الف- کتب:

1. Black's Dictionary (9th ed.).
2. Brigitte Stern, "Immunities for Heads of State: Where Do We Stand?", in JUSTICE FOR CRIMES AGAINST HUMANITY, Mark Lattimer and Philippe Sands eds., Hart Publishing, 2003, pp. 78-79.

3. Malcom N. Shaw, *International Law*, 188, Cambridge University Press, 6th ed., 2008.
4. Act of State Doctrine, *Digest of International Law*, U.S. Department of State, Vol. 6, 1968, pp. 1-54.

ب- مقالات:

۵. شهبازی، "آرامش، اعتبار عهدنامه مودت (۱۹۵۵) و قابلیت استناد به آن در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا"، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۴، ۱۳۹۰، صص ۷۱-۵۵.
6. Allan B. Conant Jr., "Act of State Doctrine and Its Exceptions: An Introduction", 12 *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 1979, pp. 259-272.
7. Ifeanyi Achebe, "The Act of State Doctrine and Foreign Sovereign Immunities Act of 1976: Can They Coexist?", *Maryland Journal of International Law*, Vol. 13:2, 2013, 247- 300.
8. John F. Coyle, "The Treaty of Friendship, Commerce and Navigation in the Modern Era", 51 *Columbia Journal of Transnational Law* 302, 304, 2013.
9. Michael Zander, "Act of State Doctrine", 53 *American Journal of International Law*, 1959, pp. 826-852.
10. Oona A. Hathaway, Sabrina McElroy and Sara Aronchik Solow, "International Law at Home: Enforcing Treaties in U.S. Courts", 37 *Yale Journal of International Law* 51, 52, 2012.

ج- دعاوی:

11. *Baker v. Carr*, 369 U.S. 186 (1962).
12. *Banco Nacional de Cuba v. Sabbatino*, 376 U.S. 398, 401 (1964).
13. *Buttes Gas and Oil Co. v. Hammer (No.3)*, 3 W.L.R. 787 (1981).
14. *Community Finance Group, Inc. v. Republic of Kenya*, 663 F. 3d 981 (8th Cir. 2011).
15. *Corp. v. Islamic Republic of Iran*, 672 F.3d 1066 (D.C. Cir. 2012) (McKesson VI).
16. *CYBERSitter LLC v. People's Republic of China*, 805 F. Supp. 2d 958, 962 (Central District of California, 2011).
17. *Fagan v. Republic of Austria*, 2011 Westlaw 1197677 (Southern District Court of New York, 2011).
18. *Fir Tree Capital Opportunity Master Fund, LP v. Anglo Irish Bank Corp. Ltd.*, 2011 Westlaw 6187077 (Southern District Court of New York, 2011).

19. *Foremost-McKesson Inc., et al., v. Islamic Republic of Iran*, 905 F. 2d 438, 439 (1990) (“McKesson I”).
 20. *Gandara v. Bennett*, 528 F.3d 823, 828 (11th Cir. 2008).
 21. *Goldwater v. Carter* 444 U.S. 966 (1979).
 22. *Gosain v. State Bank of India*, 414 F. App’x 311 (2d Circuit, 2011).
 23. *In re Fresh and Process Potatoes Antitrust Litigation*, 834 F. Supp. 2d 1141 (District of Idaho, 2011).
 24. *International Association of Machinists and Aerospace Workers v. OPEC*, 649 F.2d 1354 (9th Cir. 1981).
 25. *McKesson Corp. v. Islamic Republic of Iran*, 52 F.3d 346 (D.C.Cir.1995) (“McKesson II”).
 26. *McKesson Corporation v. Islamic Republic of Iran*, 539 F.3d 485 (D.C. Cir. 2008).
 27. *McKesson Corporation, et al., v. Islamic Republic of Iran*, Memorandum Opinion, Civil Case No. 82-220 (RJL), 27 March 2013.
 28. *McKesson Corporation. v. Islamic Republic of Iran*, 752 F.Supp.2d 12, 23 (D.D.C.2010) (“McKesson 2010”).
 29. *McKesson HBOC, Inc. v. Islamic Republic of Iran*, 271 F.3d 1101, 1104–05 (D.C.Cir.2001) (“McKesson III”).
 30. *McKesson HBOD, Inc. v. Islamic Republic of Iran*, 271 F.3d 1101 (D.C. Cir. 2001).
 31. *Medellin v. Texas*, 552 U.S. 491 (2008).
 32. *Mora v. New York*, 524 F.3d 183 (2d. Cir. 2008).
 33. *Orkins v. Swiss Confederation*, 770 F. Supp. 2d 612 (South District of New York, 2011).
 34. *Republic of Argentina v. Weltover, Inc.*, 504 U.S. 607 (1992).
 35. *Schooner Exchange v. McFaddon*, 11 U.S. 116 (1812).
 36. *Underhill v. Hernandez*, 169 U.S. 456 (1897).
 37. *Verlinden B.V. v. Central Bank of Nigeria*, 461 U.S. 480 (1983).
 38. *WS Kirkpatrick & Co Inc. v. Environmental Tectonics Corporation International*, 493 U.S. 400 (1990).
 39. *Wye Oak Technology, Inc. v. Republic of Iraq*, 666 F.3d 205 (4th Cir. 2011).
- د-آرای داوری دیوان ایران و ایالات متحده
40. *Islamic Republic of Iran v. The United States of America*, Award No. 597-A11 (April 2000).

41. *Foremost Tehran, Inc. v. Islamic Republic of Iran*, Award No. 220-37/231-1 (1986).

ه- قوانین

42. Foreign State Immunities Act, 28 USC § 1330 (1976)

43. Constitution of the United States

۴۴. قانون مربوط به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا، مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۳۵ مجلس شورای ملی (تاریخ انتشار ۱۳۳۶/۳/۱۵)

منابع اینترنتی

45. Declaration of the Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria, General Declaration (19 January 1981), available at: <https://www.iusct.net/General%20Documents/1-General%20Declaration.pdf> (last visited 27 January 2014)
46. UN General Assembly, United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, A/RES/59/38 (2 December 2004), available at: https://treaties.un.org/doc/source/RecentTexts/English_3_13.pdf (last visited 1 January 2014)
47. United Nations General Assembly, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations, A/RES/25/2625 (24 October 1970), available at: <http://www.un-documents.net/a25r2625.htm> (last visited 1 January 2014)

و- سایر منابع

48. Jake B. Tate's letter, Department of State Bulletin 982-985, 1952.)